اَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مَواعِظُ قَيِّمَةٌ - اِسْمُ التَّفضيلِ وَ اِسْمُ الْمَكانِ

اسم تفضیل و اسم مکان

اسم تفضیل: اسمی است که برای مقایسه به کار می‌رود و با صفت تفضیلی (تر) یا عالی (ترین) در زبان فارسی مطابقت می‌کند.

نحوهٔ ساخت
- أفْعَل ← مذکّر
- فُعْلَى ← مؤنّث

اسم مکان: اسمی است که بر مکان وقوع فعل دلالت می‌کند.

نحوهٔ ساخت
- مَفْعَل
- مَفْعِل
- مَفْعَلَة

لحظة: اسم تفضیل و اسم مکان از فعل ساخته می‌شوند.

ریزه‌کاری‌های اسم تفضیل

۱. اسم تفضیل از ریشهٔ «أ خ ر» به‌صورت «آخَر» ساخته می‌شود.

لحظة: آخِر (مؤنّث) ← آخِرَة (اسم فاعل: نهایی - پایانی) / آخَر (مؤنّث) ← أُخرَى (اسم تفضیل: دیگر)

۲. درصورتی‌که فعل دو حرف یکسان پشت سر هم داشته باشد، هنگام ساختن اسم تفضیل، دو حرف «مشابه» در هم ادغام می‌شوند:

ش د د ← أشدَد ⇐ أشَدّ / ض ل ل ← أضلَل ⇐ أضَلّ / ق ل ل ← أقلَل ⇐ أقَلّ

۳. اگر حرف سوم فعل «و - ي» باشد و بر وزن «أفعَل» برود؛ به‌صورت «أفْعَى» نوشته می‌شود، مانند: أعْلَى، أخْفَى، أزْكَى

۴. برای تشخیص انواع «خَیْر، شَرّ» به‌شکل زیر عمل می‌کنیم:

الف) اگر به معنی «بهتر - بهترین» و «بدتر - بدترین» باشند، اسم تفضیل هستند:

أولئكَ شَرُّ الحاكمينَ: «آنان، بدترین حاکمان هستند.»

القُرآنُ يَهدي إلَى خَيرِ سَبيلٍ: «قرآن به بهترین راه هدایت می‌کند.»

ب) اگر به معنی «خوبی - بدی» باشند، مصدر هستند:

ما تَفعَلوا مِن خَيرٍ يَعلَمهُ اللهُ: «هرچه از خوبی انجام دهید، خدا آن را می‌داند.»

اِجتَنِبوا الشّرّ: «از بدی دور کنید.»

ج) ممکن است معنای «خوب - بد» بدهند که صفت ساده هستند.

تذکرات

۱. اگر «خَیر و شَرّ» دارای «ال» باشند، قطعاً اسم تفضیل نیستند.

۲. اگر پس از «خَیر و شَرّ» حرف جرّ «مِنْ» بیاید یا مضاف شوند، غالباً اسم تفضیل هستند.

۵. اگر اسم تفضیل، مقایسهٔ بین دو اسم را بیان کند، به‌صورت «أفعَل» می‌آید و از «فُعلَى» استفاده نمی‌شود، حتّی اگر آن دو اسم مؤنّث باشند:

مَريَمُ أكبَرُ مِن فاطِمَة: «مریم از فاطمه بزرگ‌تر است.»

اما اگر اسم تفضیل، صفت شود، با موصوف خود از نظر «جنس» و «تعداد» مطابقت می‌کند:

شاهَدْنا الطّالِبةَ الصُّغرَى في الصّفِّ: «دانش‌آموزِ کوچک‌تر را در کلاس دیدیم.»

۶. **اگر اسم بر وزن «أفْعَل» بر رنگ و عیب دلالت کند، اسم تفضیل محسوب نمی‌شود**، مانند: أسوَد (سیاه)، أخضَر (سبز)، أبيَض (سفید)، أحمَر (قرمز)، أبْكَم: لال، أعْمَى: نابینا

۷. جمع مکسّر «أفعَل» (اسم تفضیل) بر وزن «أفاعِل» می‌آید: أفضَل ← أفاضِل / أكبَر ← أكابِر

۸. در ترجمهٔ اسم تفضیل به نکات زیر توجّه کنید:

الف) اگر پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» به کار رود، به‌صورت «صفت برتر» (تر) ترجمه می‌شود:

العِلمُ أفضَلُ مِن العِبادَةِ: «علم از عبادت بهتر است.» ← صفت برتر

ب) اگر اسم تفضیل مضاف شود، به‌صورت «صفت عالی» (ترین) ترجمه می‌شود:
أخطَرُ الأمراضِ هُوَ الجَهلُ: «خطرناک‌ترین بیماری‌ها، نادانی است.» ← صفت عالی
ج) اگر اسم تفضیل، صفت شود، به‌صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود:
الطّالِبُ الأفْضَل يَجتَهِدُ في دُروسِهِ دائماً: «دانش‌آموزِ برتر، همواره در درس‌هایش تلاش می‌کند.» ← صفت برتر

ریزه‌کاری‌های اسم مکان

۱. اگر فعلی دو حرف یکسان پشت سر هم داشته باشد، اسم مکان آن به‌شکل «مَفَلّ» می‌آید: ق ر ر ← مَقَرّ ⇐ مَقَرّ: پایگاه / ف ر ر ← مَفَرّ ⇐ مَفَرّ: محلّ فرار
۲. اگر فعلی حرف دوم آن «و - ي» باشد، اسم مکان آن به‌شکل «مَفال» می‌آید: ج و ل ← مَجال: زمینه، محلّ جولان / ق و م ← مَقام: مقام، جایگاه
۳. اگر حرف سوم فعلی «و - ي» باشد؛ اسم مکان آن به‌شکل «مَفعَی» می‌آید: ر م ي ← مَرمَی: دروازه / س ع ي ← مَسعَی: محلّ کوشش
۴. جمع مکسّر اسم مکان بر وزن «مَفاعِل» می‌آید: مَساجِد / مَعابِد / مَقابر / مَشاهِد
۵. **اگر اسمی بر مفهوم مکان دلالت کند، امّا بر وزن اسم مکان نباشد، اسم مکان محسوب نمی‌شود**، مانند: بَیت، جَنَّة، غُرفَة (اتاق)
۶. گاهی اوقات اسم بر وزن «مَفعلَة» (و جمع مکسّر آن بر وزن «مَفاعِل») از نظر معنایی بر مکان دلالت نمی‌کند؛ بلکه مفهوم «مصدر» دارد و اسم مکان نیست: مَرحَمَة: لطف داشتن / مَنافِع ← مَنفعَة: سود داشتن / مَصالِح ← مَصلَحَة: صلاح / مَکارِم ← مَکرُمَة: بزرگواری / مَنزلَة: ارزش

۱۳۹۲. عيِّن الصفة يختلف نوعها عن الباقي: (سراسری ریاضی ۹۳)

۱) ظهرت أشعّة الشمس الذهبيّة من وراء الجبال المرتفعة!
۲) أنا راضٍ برضى الله عند مواجهة حوادث الدهر المرّة!
۳) عليك أن تُنفقي من ثرواتك العظيمة يا أُختي!
۴) لحظة زيارة جدّي لحظة أنتظرها منذ مدّة طويلة!

۱۳۹۳. عيِّن الصفة يختلف نوعها: (زبان ۱۴۰۰)

۱) قرأنا الآراء المتعدّدة في هذا الموضوعِ فنفكّر فيه!
۲) شاهدتُ التّلاميذ يلعبون في الملعب الكبير مع أصدقائهم!
۳) هذا هو التلميذ النّاجح يَمشي و يَضحك مع بقيّة التلاميذ!
۴) أبي مُزارع يَجتهد دائماً و لا يرضى بأن يترك هذه القرية!

۱۳۹۴. عيِّن الوصف يختلف عن الباقي: (هنر ۱۴۰۰)

۱) إغتنموا الفرصَ القليلة و بدِّلوها إلى فرصٍ ذهبيّة!
۲) كُن في الشدائد كجزيرة لا يكون البحرُ قادراً أن يَبلعها!
۳) آثارنا التاريخيّة فخرنا و هي من أهمّ الآثار الّتي سُجّلت في ذاكرتنا!
۴) كانت سيّارتُنا معطّلة فجعلتُها في موقف تصليح السّيّارات لمدّة أُسبوع واحد!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای — درس ۶

واژگان

۱۳۹۵. عيِّن الخطأ في الجمع أو المفرد:

۱) كان أبي يحفظ الجار و يحمي الأهل و العِرض! (جمع: الجيران – العَرائض)
۲) الّذي كان عزيزاً فاحتقر أو صفيّاً عالماً بين المُضر! (جمع: أعِزّاء – أصفياء)
۳) إنّي رأيتُ خِصالاً من هؤلاء الرّجال تُعجبني! (مفرد: خصلة – الرّجُل)
۴) إنّ أباها كان يُحبّ مكارم الأخلاق! (مفرد: مَكرُمة – الخُلق)

۱۳۹۶. عيِّن الخطأ عن المترادف أو المتضادّ:

۱) إرحموا عزيزاً ذلَّ! (مترادف: اُحتُقِرَ)
۲) لمّا أطلقَها النبيّ (ص) رجعت إلى أخيها! (متضادّ: أسرَى)
۳) كان والدي يُعين الضّعفاء على شدائد الدهر! (مترادف: ينصُرُ)
۴) سيّد القوم لينشرِ السّلام! (متضادّ: الحرب)

۱۳۹۷. عيِّن الصّحيح في التوضيحات عن المفردات:

۱) مَكروب: ما يسبّب الأمراض المختلفة!
۲) جوع: الإحساس بالحاجة إلى الطعام!
۳) مُلك: من يحكم مناطق مختلفة و يُدير أُمور الناس!
۴) أسرَى: من يأسرون أعداءهم في الحرب!

۱۳۹۸. عيِّن الخطأ في التعريف:

۱) السّلام: حالةٌ ليست فيها حربٌ أو نزاعٌ!
۲) الجار: الّذي يسكنُ بجوارنا و جمعه «الجيران»!
۳) الخائب: الّذي فَقَد أملَه في الوصول إلى هدفه!
۴) المكروب: ما لا يُرى بالعين المجرّدة و ينقل الأمراض!

۱۳۹۹. عيِّن ما جاء فيه التضادّ:

۱) إلهي و ربّي، اِقضِ حاجتي و لا تَرُدَّني عن بابك خائباً!
۲) أطلَقَ النبيّ (ص) اِبنة حاتم الّتي أسَرها المسلمون!
۳) ظَفر جنودُ المسلمين في إحدى غزواتهم و عاملوا الأسْرَى معاملةً جيّدةً!
۴) هذا الرجل الكريم يَحفظ الجار و يَحْمي الأهل و العرض!

۱۴۰۰. كمّل الفراغات (بما يناسبها):

«هو سيِّد قومه لأنّه ..... الأسير و ..... الأهل و العرض و ..... الضعيف على شدائد الدّهر!»

۱) يَنشر – يجود – يَحمي
۲) يُفرّج – يطعم – يَفتقر
۳) يفكّ – يَحمي – يُعين
۴) يَحتقر – يَحفظ – يساعد

۱۴۰۱. عيِّن ما ليست فيه من المفردات المتضادّة:

۱) المؤمن قليل الكلام كثير العمل!
۲) رسب الطالب في الامتحان ولكن نجح صديقه فيه!
۳) إرحموا عزيزاً ذلّ و غنيّاً افتقر!
۴) سكت الطّالب ثم تكلّم عن برامجه للمستقبل!

۱۴۰۲. عيِّن ما لم يأت فيه المترادف أو المتضادّ:

۱) مَعَ الأسف ضاعت المحاصيل بعد نزول المطر و هلكت الدوابّ من الجوع!
۲) إشتدّت شدائد العيش لمّا واجه النّاس مشاكل اقتصاديّة في البلد!
۳) وقعت حرب بين قبيلتين و أخذ الكبار يُصلحونَ بينهما للوصول إلى السّلام!
۴) لنرجَع من عادات تبعّدنا من الفكر الصحيح و تزرع بذور اليأس دائماً!

۱۴۰۳. عيِّن الخطأ للفراغ:

۱) أ ما رأيتم كيف ..... العمارة حول الجبال؟! (تُبنى)
۲) حَصَل أخي على ..... في فَرع الحقوق قبل سنةٍ! (شَهادَةٍ)
۳) هو ..... أجورَ مَن يَحمي أخاه عند الشدّة! (يَأتي)
۴) ذلك المسلم من ..... النّاس بين أقربائه لأنّه يساعدهم كثيراً! (أجود)

۱۴۰۴. «إرحَموا عزيزاً ذلّ و غنيّاً افتقر و عالماً ضاع بين جُهّال!» عيِّن الصّحيح لما تحته خطّ (على الترتيب):

۱) جمعه: أعزّاء – معناه: خوار شد – مضادّه: فقير – معناه: تباه شد – مفرده: جاهِل
۲) جمعه: عُزّاز – مرادفه: ضلّ – جمعه: أغنياء – مرادفه: أضاعَ – مفرده: جَهل
۳) معناه: گرانمايه – مضادّه: حَسُنَ – معناه: توانگر – مضادّه: اُحْتُرِمَ – مضادّه: علماء
۴) معناه: ارجمند – معناه: تباه شد – جمعه: أغنياء – معناه: خوار شد – جمعه: جُهلاء

۱۴۰۵. کم مفردة تبيينها خطأً؟!

الف) المكروب ← الّذي حزنه كثير!
ب) أطعَم (شخصاً) ← تناوَل طعاماً و شَبعَ!
ج) الخائب ← لا رجاء له في الحياة!
د) السعة ← الّذي له قدرة كبيرة!
هـ) الصمد ← غنيّ لا حاجة له بالآخرين!

۱) اثنتان ۲) واحدة ۳) ثلاث ۴) أربع

۱۴۰۶. کم جمعاً مفرده خطأً؟

«أنفُس ← نفْس / أصحاب ← صاحِب / مَكارِم ← مكرُمة / خِصال ← خَصلة / أسرَى ← أُسراء / أقرباء ← قُربة / فرائض ← فريضة»

۱) اثنان ۲) ثلاثة ۳) أربعة ۴) واحد

ترجمه، تعریب و مفهوم

دست‌گرمی

۱۴۰۷. ﴿قالتِ الأعراب آمنّا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا أسلمنا﴾:

۱) بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید: اسلام آوردیم!
۲) اعراب گفتند: ایمان آورده‌ایم، بگو: ایمان نمی‌آورید؛ بلکه اسلام آورده‌اید!
۳) اعراب می‌گویند: ایمان می‌آوریم، بگو: ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: اسلام می‌آوریم!
۴) بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آوردیم، بگو: ایمان نمی‌آورید؛ بلکه اسلام می‌آورید!

۱۴۰۸. ﴿لا تأكلوا ممّا لم يُذكر اسمُ اللّه عليه﴾:

۱) از هرچه اسم الله بر آن برده نمی‌شود، مخورید!
۲) از چیزی که اسمی از خدا بر آن برده نشده، نمی‌خورید!
۳) مخورید از چیزی که نام خدا را بر آن نبرده‌اند!
۴) از چیزی که نام خداوند بر آن برده نشده، نخورید!

۱۴۰۹. ﴿أ و لم يعلموا أنّ اللّه هو يقبل التوبة عن عباده﴾:

۱) آیا ندانسته‌اند که تنها خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد!
۲) آیا ندانستند که خداوند تنها کسی است که توبهٔ بندگانش را قبول می‌کند!
۳) آیا نمی‌دانند که فقط خدا به توبهٔ بندگان خود روی می‌آوَرد!
۴) آیا نمی‌دانستند که الله توبه را از بندگان خویش می‌پذیرد!

۱۴۱۰. «أطلق الرجل الحامي نفسَه من خصالٍ تَنشر الذلّة لِيُفرِّج عن المكروب و يحفظ عِرضَه!»:

۱) شخص حامی خود را از خصلت‌هایی که خواری و ذلت را رواج می‌داد، آزاد کرد تا از غمگینی گره بگشاید که آبرویش حفظ شود!
۲) مرد حمایت‌کننده، خودش را از اخلاق‌هایی رهانید که او را به ذلت می‌کشاند تا بتواند اندوه غمگینان را بزداید و آبرویشان را حفظ کند!
۳) مرد حمایتگر خودش را از خصلت‌هایی که خواری را می‌گسترانَد، آزاد کرد تا از غمگین گره‌گشایی نماید و آبرویش را حفظ کند!
۴) مردی بخشنده خواست خود را از بند ویژگی‌هایی برهاند که ذلت را گسترش می‌داد و اندوه غمگین را بزداید تا آبرویش حفظ شود!

۱۴۱۱. «لِنَرحَم عالماً ضاعَ بين جُهّالٍ و لا نَرُدّه خائباً في شدائد الدَّهر!»:

۱) ما می‌بایست به دانشمندی که میان نادانان تباه شده، دلسوزی کنیم تا در سختی‌های روزگار با نومیدی سر نکند!
۲) برای اینکه به دانایی که میان نادانان خوار گشته است، رحم کنیم، نباید او را در سختی‌های روزگار تنها رها کنیم!
۳) بر ماست که به دانایی که میان نادانان تباه شده است، ترحّم کنیم و در سختی روزگار او را نومید رد نکنیم!
۴) باید به دانشمندی که میان نادانان تباه شده، رحم کنیم و در سختی‌های روزگار او را نومید برنگردانیم!

۱۴۱۲. «خصال هذا الرَّجل تُعجبني و ما رأيتُ أجود و لا أكرم منه أيّ شخصٍ آخر!»:

۱) خصلت‌هایی که از این مرد مشاهده کردم مرا به تعجب وامی‌دارد، چراکه هیچ شخصی را مانند او بخشنده و کریم ندیده‌ام!
۲) خصائص و ویژگی‌های چنین مردی باعث تعجب و شگفتی من می‌شود و این مرد را از هر شخص دیگر بخشنده‌تر و بزرگوارتر می‌بینم!
۳) ویژگی‌های این مرد مرا به شگفتی وامی‌دارد و هیچ شخص دیگری را بخشنده‌تر و بزرگوارتر از او ندیده‌ام!
۴) خصوصیات اخلاقی این مرد مایهٔ تعجب من می‌شود و هیچ شخصی را در بخشندگی و بزرگواری همانند او ندیدم!

۱۴۱۳. «تكلَّمتُ مع زملائي ليَعلموا كيف يُمكن لَهم أنْ ينجَحوا في برامجهم الدِّراسيَّة!»:

۱) با هم‌کلاسی‌هایم حرف زدم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه‌های درسی‌شان موفق شوند!
۲) با دوستانم صحبت می‌کنم تا بدانند چگونه می‌توانند در برنامه‌های درسی خود موفق شوند!
۳) همراه هم‌کلاسی‌ها دربارهٔ چگونگی موفق شدن در برنامه‌های درسی خود سخن می‌گفتم!
۴) با هم‌شاگردی‌هایم سخن گفتم بلکه بفهمند که چگونه می‌شود در برنامه‌ریزی درسی خود موفق شد!

۱۴۱۴. «لا نسمَحُ أبداً أن تُضيّع أوقاتُ عمرنا في اللّذات الّتي لا تفيدنا فَسنخسر الدنيا و الآخرة!»:

۱) هرگز اجازه نخواهیم داد تا عمرمان بر باد رود در لذّت‌هایی که هیچ سودی برایمان ندارد، پس در دنیا و آخرت از زیانکاران خواهیم بود!
۲) ما به هیچ وجه اجازه نمی‌دهیم تا روزهای عمرمان در لذت‌هایی که برایمان بدون سود و فایده است، تباه شود؛ چراکه در دنیا و آخرت زیان خواهیم دید!
۳) هرگز نباید اجازه دهیم که اوقات عمرمان را در لذت‌هایی که به ما نفع نمی‌رسانند، ضایع کنیم، از این‌رو هم در دنیا و هم در آخرت زیان خواهیم دید!
۴) نباید هرگز اجازه دهیم که اوقات عمر ما در لذاتی تباه شود که به ما سود نمی‌رساند؛ چون در دنیا و آخرت زیان خواهیم دید!

سین‌جیم

۱۴۹۶. عیِّن الخطأ على حسب الترجمة:

۱) لأفهم لغة حيّة عزمتُ على تعلّم اللغة العربيّة! = يجب عليّ أن أفهم لغة حيّة فعزمتُ على تعلّم اللغة العربيّة!
۲) هؤلاء المؤمنون لم يشاهدوا أحداً في ذاك المسجد! = ما شاهد هؤلاء المؤمنون أحداً في ذاك المسجد!
۳) يجب على الطلّاب أن يعلموا أنّ الامتحانات تساعدهم! = ليعلمِ الطّلاب أنّ الامتحانات تساعدهم!
۴) توجَد طُرُق مختلفة لنا لكي نعرف خالقنا! = توجَد طرق مختلفة لنا حتّى نعرف خالقنا!

۱۴۹۷. عيِّن ما يمكن أن يُترجم بطريقتين اثنتين:

۱) لا يعلموا ۲) لِتعلموا ۳) لِيعلموا ۴) لن يعلموا

۱۴۹۸. عيِّن ما ليس فيه طلبٌ عن القيام بالعمَل:

۱) أيّها الشّابّ حَوّلِ العداوة إلى الصّداقة بِلين الكلام!
۲) لِيُنفق الأغنياء المُحسِنون للمَساكين المُستحقّين!
۳) تحمّلوا المَصائب و شَدائد الحياة بالاستعانة بربّكم!
۴) تغيّر وزن الكلمات الدّخيلة الّتي دخلتِ اللغة العربيّة!

۱۴۹۹. عيِّن ما فيه طلبٌ لعدم القيام بعملٍ:

۱) ﴿لكيلا تحزنوا على ما فاتكم﴾
۲) نصحهم الأستاذ و قال: من يكذبْ لا ينجحْ!
۳) المؤمنون لا ييأسوا من رَوح الله أبداً!
۴) كأنّ إرضاء النّاس هو الهدف الّذي لا يُدرَك!

۱۵۰۰. عيِّن اللّام يدلّ على الأمر:

۱) لِتعلُّم اللّغة العربيّة و قراءة النصوص العديدة لنتعلّم مفردات كثيرة!
۲) علينا أن نقرأ القرآن بدقّة لنعرف الكلام الحقّ!
۳) لنفوز في تلك المباراة حاولنا كثيراً!
۴) بُعث الأنبياء ليهدوا النّاس و يُنقذوهم من الجهالة!

۱۵۰۱. عيِّن «لا» يختلف عن البقيّة:

۱) عليكم أن لا تسبّوا الناس لأنّكم تحصلون على العدوان بينهم!
۲) إن لا تسُبّوا الآخرين، لا يسبّونكم أيضاً!
۳) إذا تُريد أن لا يسبّكم النّاس فلا تسبّوهم!
۴) من لا يسبّون الآخرين لا يحصلون على العدوان بينهم!

۱۵۰۲. عيِّن الصّحيح عن نوع «لا»:

۱) لا تَرفعوا أصواتكم أيّها الطلابُ ← النافية
۲) كُن حرّاً و لا تَكُن عبداً لغير الله ← الناهية
۳) لا تقولوا ما لا تعلمونَ ← النافية - النافية
۴) هؤلاء متكاسلات و لا يُمارسن الرياضة ← الناهية

۱۵۰۳. عيِّن اللّام أكثر تنوّعاً:

۱) لِتطبخ أُمّي طعاماً لِضيوفها ذَهَبَت و هيّأتْ لَهُنّ أطعمةً لذيذةً!
۲) لِم تقولُ ما لا تعمَلُ به؟! لِتسلم من الخطأ فكِّرْ قبلَ التكلّم!
۳) لِيسافر السيّاح لِاكتشاف علميّ لِيعرفوا ما كان مجهولاً في كلّ سياحةٍ!
۴) عيّن الصّحيح لِما تحته خطّ: «لا تتدخّل في أُمور تُقرّبك إلى مواضع التُّهَم!»

۱۵۰۴. عيِّن مضارعاً ليس معادلاً للمضارع الإلتزاميّ الفارسيّ:

۱) ﴿لا يحزنك قولهم إنّ العزّة لله جميعاً﴾
۲) رسبتم مرّة أُخرى في الامتحان، أ لم تعاهدوا تعويض درجاتكم!
۳) أنظروا إلى السماء، فلنشكر ربّنا الكريم على نعماته!
۴) من يؤمن بقلبه و بلسانه معاً فهو المفلح!

۱۵۰۵. عيِّن الصّحيح (فيما يعادل حسب المعنى):

۱) لم يكن له شيءٌ ← ليس له شيءٌ!
۲) سنُؤتي أُجورهم ← لن نُؤتي أُجورهم!
۳) لا يطالعوا في الليل ← لم يطالعوا في الليل!
۴) لنتقدّم في أُمورنا ← علينا التقدّم في أُمورنا!

۱۵۰۶. عيِّن المضارع يترجم مضارعاً:

۱) لم أنت في الساحة، هل تخافين!
۲) رأيتُ الرجل يفكّ الأسير!
۳) إن زرعت العدوان حصدت الخسران!
۴) في هذه اللحظة لم يقُل أخي شيئاً!

۱۵۰۷. عيِّن عبارة جاء فيها نائب الفاعل جمعاً سالماً:

۱) عليك بِالمُحاولة، و أن تَقبل نصيحةَ المُعين المشفق!
۲) أ وَ لم تولَد حَسنات جديدة لمّا قُمْتَ بِالخير!
۳) أرسِلت الجوائزُ لِيُشكر اللّاعبُ الممتاز!
۴) اِبتعدوا ممّا لم يؤسّس أصله على سَبيل صحيح!

۱۵۰۸. عيِّن فعلينِ مضارعينِ بمعنى الالتزاميّ في الفارسيّة:

۱) لا توجَد سيّارةٌ تنقلنا إلى الجامعة!
۲) لأحفظ الآيات كلّها أُواصل محاولتي!
۳) نصحهم الأُستاذ و قال: «إن تكذبوا لا تنجحوا»!
۴) قلتُ لصديقي لنجلس في الأمام لنسمع كلام الأُستاذ جيّداً!

۱۵۰۹. عيِّن ما فيه لام الأمر: *(زبان ۱۴۰۰)*

۱) أنار اللهُ قلبَنا بالعلوم النّافعة لنذكره!
۲) تُطلِق سمكةُ السهم قطراتِ الماء لتسقط الحشرةُ!
۳) جَلسنا أمام التّلفاز لنشاهِد فلماً رائعاً!
۴) إنّ فراخَ «برناكل» لتَسقط و إلّا لا تتعلّم الطيرانَ!

۱۵۱۰. عيِّن ما ليس المعادل للمضارع الالتزاميّ الفارسيّ: *(هنر ۹۹)*

۱) يُحذِّر الشرطيّ المسافرين ألّا يقتربوا مِن الأماكن الخطرة!
۲) يا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكّلين حتّى لا تيأسوا!
۳) يا أيّها الأطفال؛ لا تقربوا من هذه الحفرة لأنّها خطرة!
۴) يجتمع التلاميذُ مع معلّميهم يوميّاً ليتعلّموا العلم!

۱۵۱۱. عيِّن «اللام» تختلف: *(اختصاصی ۱۴۰۱)*

۱) حضر جميعُ الطُّلّاب في الصالة ليَشتركوا في الامتحان!
۲) يُصاد الحوتُ ليُستخرج زيتُه و يُصنَّع مِنه موادُّ التّجميل!
۳) إنّ الطبيعةَ جميلةٌ لِنُحافظ عليها و نحن نحتاج إليها كثيراً!
۴) قد نغرس الأشجارَ الّتي تُثمر بعد سنواتٍ ليأكل الآخَرون منها!

ورزشگاه بزرگ بازی می‌کردند.» («الکبیر» صفت مفرد برای «الملعب» است.) / گزینهٔ «۳»: «این همان دانش‌آموز موفق است که راه می‌رود و همراه بقیهٔ دانش‌آموزان می‌خندد.» («الناجح» صفت مفرد برای «التلمیذ» است.) / گزینهٔ «۴»: «پدرم کشاورزی است که همیشه تلاش می‌کند و راضی نمی‌شود این روستا را ترک کند.» («یجتهد» جمله‌ای است که پس از اسم نکرهٔ «مزارع» آمده و آن را توصیف کرده است، پس صفت از نوع جملهٔ وصفیه می‌باشد.)

۱۳۹۴. **گزینهٔ ۲** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «فرصت‌های اندک را غنیمت بشمارید و آن‌ها را به فرصت‌هایی طلایی تبدیل کنید.» («القلیلة» و «ذهبیة» صفت‌های مفرد برای «الفرص و فرص» هستند.) / گزینهٔ «۲»: «در سختی‌ها همچون جزیره‌ای باش که دریا نمی‌تواند آن را ببلعد.» («لا یکون» جملهٔ وصفیه برای «جزیرة» می‌باشد.) / گزینهٔ «۳»: «آثار تاریخی ما باعث افتخار ماست و آن‌ها از مهم‌ترین آثاری است که در حافظهٔ ما ثبت شده است.» («التاریخیة» صفت مفرد برای «آثار» می‌باشد.) / گزینهٔ «۴»: «ماشین ما خراب بود، پس آن را در کارگاه تعمیر خودروها به مدت یک هفته گذاشتم.» («واحد» صفت مفرد برای «أسبوع» می‌باشد.)

۱۳۹۵. **گزینهٔ ۱** جمع کلمهٔ «العِرض: ناموس»، «الأعراض» است.

۱۳۹۶. **گزینهٔ ۲** کلمهٔ «أطلَقَ: رها کرد» متضاد «أسَرَ: اسیر کرد» است، نه «أسری: اسیران»!

۱۳۹۷. **گزینهٔ ۲** ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «اندوهگین: چیزی که سبب امراض مختلف می‌شود!» / گزینهٔ «۲»: «گرسنگی: احساس نیاز به غذا!» / گزینهٔ «۳»: «پادشاهی: کسی که به مناطق مختلف حکومت می‌کند و امور مردم را اداره می‌کند!» / «گزینهٔ «۴»: «اسیران: کسانی که دشمنانشان را در جنگ اسیر می‌کنند!»

۱۳۹۸. **گزینهٔ ۴** ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «آشتی: حالتی که در آن جنگ و درگیری نیست!» / گزینهٔ «۲»: «همسایه: کسی که در کنار ما زندگی می‌کند و جمعش «الجیران» است!» / گزینهٔ «۳»: «ناامید: کسی که امیدش را در رسیدن به هدفش از دست داده است!» / گزینهٔ «۴»: «اندوهگین: آنچه با چشم دیده نمی‌شود و بیماری‌ها را منتقل می‌کند!»

۱۳۹۹. **گزینهٔ ۲** کلمات «أطلَقَ: رها کرد» و «أسَرَ: اسیر کرد» متضاد هستند.

۱۴۰۰. **گزینهٔ ۳** ترجمهٔ عبارت سؤال: «او بزرگ قومش است زیرا اسیر را ..... و از خانواده و ناموس و آبرو ..... و به ضعیف در سختی‌های روزگار .....!»
بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: پخش می‌کند - می‌بخشد - نگهداری می‌کند / گزینهٔ «۲»: گره‌گشایی می‌کند - غذا می‌دهد - فقیر می‌شود / گزینهٔ «۳»: رها می‌کند - نگهداری می‌کند - یاری می‌کند / گزینهٔ «۴»: خوار می‌کند - حفاظت می‌کند - یاری می‌کند

۱۴۰۱. **گزینهٔ ۳** در گزینهٔ «۱»، «قلیل: کم» و «کثیر: زیاد»، در گزینهٔ «۲»، «رَسَبَ: مردود شد» و «نَجحَ: قبول شد» و در گزینهٔ «۴»، «سکت: سکوت کرد» و «تکلَّم: سخن گفت» متضاد هستند!

۱۴۰۲. **گزینهٔ ۴** بررسی سایر گزینه: گزینهٔ «۱»: «ضاع: تباه شد» و «هلك: هلاک شد» مترادف هستند. / گزینهٔ «۲»: «شدائد: سختی‌ها» و «مشاکل: مشکلات» مترادف هستند. / گزینهٔ «۳»: «حرب: جنگ» و «السّلام: صلح» متضاد هستند.

۱۴۰۳. **گزینهٔ ۳** ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «آیا دیدید چگونه ساختمان اطراف کوه‌ها .....؟!» (ساخته می‌شود) / گزینهٔ «۲»: «برادرم سال گذشته ..... را در رشتهٔ حقوق به دست آورد!» (مدرک) / گزینهٔ «۳»: «او پاداش‌های کسی را که هنگام سختی برادرش را حمایت می‌کند ..... !» (می‌آید) / گزینهٔ «۴»: «آن مسلمان از ..... مردم بین نزدیکانش است زیرا آن‌ها را بسیار یاری می‌کند!» (بخشنده‌ترین)

۱۴۰۴. **گزینهٔ ۱** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: جمع «عزیز»، «عُزّاز» نیست! - مترادف «ذلّ: خوار شد»، «ضلّ: گمراه شد» نیست! - مترادف «ضاعَ: تباه شد»، «أضاعَ: تباه کرد» نیست! - مفرد «جُهّال: افراد نادان»، «جَهل: نادانی» نیست! / گزینهٔ «۳»: متضاد «ذلّ: خوار شد»، «حَسُنَ: خوب شد» نیست! / گزینهٔ «۴»: معنای «ذلّ» و «ضاعَ» جابه‌جا نوشته شده است!

۱۴۰۵. **گزینهٔ ۱** ترجمهٔ عبارات: الف: اندوهگین ← کسی که ناراحتی‌اش بسیار است! / ب: غذا داد (به کسی) ← غذایی خورد و سیر شد! (نادرست) / ج: ناامید ← هیچ امیدی در زندگی ندارد! / د: توانمندی ← کسی که قدرت زیادی دارد! (نادرست) / هـ: بی‌نیاز ← فرد بی‌نیازی که هیچ احتیاجی به دیگران ندارد!

۱۴۰۶. **گزینهٔ ۱** مفرد «أسری: اسیران»، «أسیر» است نه «أُسَراء: اسیران»! - مفرد «أقرباء: نزدیکان»، «قریب: نزدیک» است نه «قُربة: نزدیک بودن»!

۱۴۰۷. **گزینهٔ ۱** ترجمهٔ کلمات مهم: قالت الأعراب: اعراب گفتند / آمنّا: ایمان آوردیم / قُل: بگو / لم تؤمنوا: ایمان نیاورده‌اید / قولوا: بگویید / أسلمنا: اسلام آوردیم
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: ایمان نمی‌آورید («لم تؤمنوا» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است، نه مضارع!) / گزینهٔ «۳»: می‌گویند («قال» ماضی است نه مضارع!) - ایمان می‌آوریم («آمنّا» ماضی است نه مضارع!) - ایمان نمی‌آورید (مانند گزینهٔ «۲») - اسلام می‌آوریم («أسلمنا» ماضی است نه مضارع!) / گزینهٔ «۴»: ایمان نمی‌آورید (مانند گزینهٔ «۲») - اسلام می‌آورید (اوّلاً «أسلمنا» ماضی است نه مضارع، ثانیاً مخاطب نیست!)

۱۴۰۸. **گزینهٔ ۴** ترجمهٔ کلمات مهم: لا تأکلوا: نخورید / ممّا: از آنچه (مِن + ما) / لم یُذکر: نام برده نشده
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: اسم برده نمی‌شود («لم یُذکر» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است نه مضارع!) / گزینهٔ «۲»: نمی‌خورید («لا تأکلوا» فعل نهی است نه فعل نفی!) / گزینهٔ «۳»: نام نبرده‌اند («لم یُذکر» مجهول است نه معلوم!)

۱۴۰۹. **گزینهٔ ۱** ترجمهٔ کلمات مهم: لم یعلموا: ندانسته‌اند / یقبل عن ... : از ... می‌پذیرد / عباده: بندگانش
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: کسی است که (اضافی است!) - توبهٔ بندگانش («التوبة» و «عباده» تشکیل ترکیب اضافی نداده‌اند!) / گزینهٔ «۳»: نمی‌دانند («لم یعلموا» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است نه مضارع!) - روی می‌آورد (این ترجمه معادل فعل «أقبَلَ إلی، یُقبِلُ إلی» می‌باشد نه «قَبلَ، یَقبلُ»!) / گزینهٔ «۴»: نمی‌دانستند («لم یعلموا» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است نه ماضی استمراری!) - ضمیر «هو» که در این عبارت به معنای «فقط، تنها» می‌باشد، ترجمه نشده است!

۱۴۱۰. **گزینهٔ ۳** ترجمهٔ کلمات مهم: أطلق: آزاد کرد / تَنشر: می‌گستراند / لِیُفرّج عن المکروب: تا از غمگین گره‌گشایی نماید / یحفظ عِرضه: آبرویش را حفظ کند
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: غمگینی («المکروب: غمگین» معرفه است نه نکره!) - حفظ شود («عرضَ» منصوب و درنتیجه مفعولِ «یحفظ» است؛ بنابراین این فعل معلوم است نه مجهول!) / گزینهٔ «۲»: او را (اضافی است!) - بتواند (اضافی است!) - غمگینان («المکروب» مفرد است نه جمع!) - آبرویشان (ضمیر «ه» مفرد است نه جمع!) / گزینهٔ «۴»: مردی («الرجل» معرفه است نه نکره!) - خواست (اضافی است!) - و ... بزداید (حرف «لِـ :تا» در «لِیُفرّج» معادل «و» نیست!) - تا ... حفظ شود (اوّلاً «یحفظ» معلوم است نه مجهول. ثانیاً «تا» معادل «و» نیست!)

۱۴۱۱. **گزینهٔ ۴** ترجمهٔ کلمات مهم: لنرحم: باید رحم کنیم / ضاعَ: تباه شد / جُهّال: نادانان / لا نَرُدّه خائباً: او را نومید برنگردانیم / شدائد الدّهر: سختی‌های روزگار

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: سر نکند (معادل «لا نردّه» نیست!) / گزینهٔ «۲»: برای اینکه رحم کنیم (حرف لام در این عبارت «لام امر» و به معنای «باید» است!) - تنها (معادل «خائباً» نیست!) / گزینهٔ «۳»: سختی («الشدائد» جمع است نه مفرد!)

۱۴۱۲. گزینهٔ ۳ ترجمهٔ کلمات مهم: خصال هذا الرّجل: ویژگی‌های این مرد / تُعجبني: مرا به شگفت وامی‌دارد / ما رأيتُ: ندیده‌ام / أجود: بخشنده‌تر / أكرم: بزرگوارتر / أيّ شخص آخر: هیچ شخص دیگری

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: ساختار جمله متفاوت است. - خصلت‌هایی («خصال» در این عبارت معرفه است نه نکره!) - از (اضافی است!) - چراکه (اضافی است!) - مانند او (اضافی است!) - بخشنده و کریم («أجود» و «أكرم» اسم تفضیل هستند و باید با «تر» یا «ترین» ترجمه شوند!) / گزینهٔ «۲»: چنین مردی (معادل «هذا الرجل» نیست!) - باعث می‌شود (اضافی است!) - می‌بینم («ما رأيت» ماضی و منفی است!) / گزینهٔ «۴»: مایهٔ تعجب می‌شود (اضافی است!) - بخشندگی و بزرگواری (مانند گزینهٔ «۱») - همانند او (اضافی است!)

۱۴۱۳. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: تكلَّمتُ: حرف زدم / مع زملائي: با هم‌کلاسی‌هایم / ليعلموا: تا بدانند / يُمكن لهم: برایشان امکان دارد / أن ينجحوا: که موفق شوند / برامجهم الدراسيّة: برنامه‌های درسی‌شان

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: صحبت می‌کنم («تكلَّمتُ» ماضی است نه مضارع!) / گزینهٔ «۳»: هم‌کلاسی‌ها (ضمیر در «زملائي» ترجمه نشده است!) - چگونگی (معادل «کیف: چگونه» نیست!) - موفق شدن («أن ينجحوا» فعل است نه مصدر!) - سخن می‌گفتم («تكلَّمتُ» معادل ماضی ساده است نه ماضی استمراری!) / گزینهٔ «۴»: بلکه (معادل «لِـ : تا» نیست!) - می‌شود (معادل «يمكن لهم» نیست!) - برنامه‌ریزی («برامج» جمع است نه مفرد!)

۱۴۱۴. گزینهٔ ۴ ترجمهٔ کلمات مهم: لا نسمحُ: نباید اجازه دهیم / أن تُضيّع أوقاتُ عمرنا: که اوقات عمر ما تباه شود / لا تفيدنا: سود نمی‌رساند / فَسنسخر: زیان خواهیم دید

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: اجازه نخواهیم داد («لا نسمح» معادل مضارع است نه مستقبل!) - «أوقات» ترجمه نشده است! - هیچ (اضافی است!) - از زیانکاران خواهیم بود (معادل «سنسخر» نیست!) / گزینهٔ «۲»: به‌هیچ‌وجه (معادل «أبداً» نیست!) - اجازه نمی‌دهیم («لا نسمحُ» فعل نهی است نه مضارع منفی!) - بدون سود و فایده («لا يفيد» فعل است نه اسم!) / گزینهٔ «۳»: عمرمان را («أوقاتُ» مرفوع است، بنابراین نمی‌تواند مفعول باشد!) - ضایع کنیم («تُضيّع» غایب است نه متکلّم مع‌الغیر (نحن)!)

۱۴۱۵. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: قد يحدث: گاهی رخ می‌دهد / ما نكرهه: چیزی که آن را ناپسند می‌شماریم / و لْنعلم: و باید بدانیم / يُقدّر: رقم می‌زند / خيراً: خوبی

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: می‌دانیم (معادل «نعلم» است نه «لنعلم»!) - تقدیر خوبی («يُقدّر» فعل است نه اسم!) / گزینهٔ «۳»: چیزی که برایمان رخ می‌دهد (معادل «ما يحدث لنا» است نه «يحدث لنا ما ...»!) / گزینهٔ «۴»: از آنچه برایمان رخ می‌دهد (مانند گزینهٔ «۳» - اما (معادل «و» نیست!) - بهترین‌ها («خيراً» مفرد است نه جمع!)

۱۴۱۶. گزینهٔ ۴ ترجمهٔ کلمات مهم: كانت ... قدأُسرت: اسیر شده بود / بيد المسلمين: به دست مسلمانان / أطلَقَها: او را آزاد کرد

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: اسیر شد («كانت قد أُسرت» معادل ماضی بعید است نه ماضی ساده!) / گزینهٔ «۲»: کلمهٔ «ولكنّ: ولی» ترجمه نشده است! - آزاد گشت («أطلقَ» معلوم است نه مجهول!) / گزینهٔ «۳»: مسلمانان («بيد: به دست» جابه‌جا ترجمه شده است!) - اسیر کرده بودند («أُسرت» مجهول است نه معلوم!) - آزاد شد (مانند گزینهٔ «۲»)

۱۴۱۷. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: كان لي: داشتم / أبٌ كريمٌ: پدری بخشنده / يَفكّ العبيد الأسرَى: بردگان اسیر را آزاد می‌کرد / يُطعم الجائعين: به گرسنگان غذا می‌داد / يُحبّه الناس كثيراً: مردمان او را بسیار دوست می‌داشتند

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: پدر سخاوتمند من («أبٌ كريمٌ» ضمیری ندارد!) - «كان لي: داشتم» ترجمه نشده است! - مردمان را دوست می‌داشت (ضمیر «ه» در «يحبّه» مفعول و «الناس» فاعل است و اشتباه ترجمه شده است!) / گزینهٔ «۳»: اسیران («العبيد: بردگان» ترجمه نشده است!) - بدین‌خاطر (اضافی است!) / گزینهٔ «۴»: پدر کریم من (مانند گزینهٔ «۲») - مردم بسیاری («كثيراً» صفت «الناس» نیست!)

۱۴۱۸. گزینهٔ ۲ ترجمهٔ کلمات مهم: أنت الّذي: تو کسی هستی که / تُعينُني: مرا یاری می‌رسانی / على شدائد الدّهر: بر سختی‌های روزگار / لن تَردَّ أحداً: احدی را برنخواهی گرداند / عن بابك: از درگاهت / خائباً: نومید

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: یاری رسانده‌ای («تُعينُ» مضارع است نه ماضی!) - نرانده‌ای («لن تردّ» معادل مستقبل منفی است نه ماضی!) / گزینهٔ «۳»: کلمهٔ «الّذي» ترجمه نشده است. - کمک نموده‌ای (مانند گزینهٔ «۱») - رانده نشده است (اوّلاً «لن تَردّ» معلوم و متعدّی است نه مجهول یا لازم. ثانیاً معادل مستقبل منفی است نه ماضی!) / گزینهٔ «۴»: کمک می‌جویم («تُعينُ» مخاطب است نه متکلّم وحده!) - برنخواهد گشت («لن تَردّ» معلوم و متعدّی است نه مجهول یا لازم!)

۱۴۱۹. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: ثلاثةٌ: سه نفر / مَن يرحمهم: هرکس به ایشان رحم کند / يرحمه الله: خداوند به او رحم می‌کند / عزيزٌ قد ذلّ: والامقامی که خوار گشته است / غنيٌّ قد افتقر: ثروتمندی که فقیر شده است / عالِمٌ ضاعَ بين الجُهّال: دانشمندی که میان نادانان تباه شده است

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: مشمول رحمت الهی می‌شود (معادل «یرحمه الله» نیست!) - نادانانی («الجهّال» معرفه است نه نکره!) - گم گشته است (معادل «ضاعَ» نیست!) / گزینهٔ «۳»: هرکس به این سه نفر رحم کند (با ساختار جمله متفاوت است!) - هر زمانی (اضافی است!) - زمانی که (اضافی است!) - آنگاه (اضافی است!) - افتد (معادل «ضاعَ» نیست!) / گزینهٔ «۴»: مشمول رحمت خداوند گردد (مانند گزینهٔ «۲») - آن (اضافی است!) - افتاده است (مانند گزینهٔ «۳»)

۱۴۲۰. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: من خصال المؤمن: از ویژگی‌های مؤمن / يحمي العِرض: آبرو را نگه می‌دارد / يكتم عيوب الآخرين: عیوب دیگران را می‌پوشاند / يُعينُ المظلوم على الظلم: به مظلوم علیه ظالم کمک می‌کند

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: آبروریزی نمی‌کند (معادل «يَحمي» نیست!) - مردم (معادل «الآخرين: دیگران» نیست!) / گزینهٔ «۳»: هر مؤمنی (اوّلاً «هر» اضافی است. ثانیاً «المؤمن» معرفه است نه نکره!) / گزینهٔ «۴»: دیگری («الآخرين» جمع است نه مفرد!) - یاور («يُعينُ» فعل است نه اسم!)

۱۴۲۱. گزینهٔ ۱ ترجمهٔ کلمات مهم: لم تكنْ: نبوده است / مُعلّقة: بسته / إنْ نتوكّلْ: اگر توکّل کنیم / لَن يرتدّنا خائبين: ما را ناامید بازنخواهد گرداند

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: روزگار (اضافی است!) - ناامید نخواهد کرد (معادل «لن يردّ: بازنخواهد گرداند» نیست!) / گزینهٔ «۳»: بسته نخواهد بود («لم تكن» معادل ماضی است نه مستقبل!) - هرگاه (معادل «إن: اگر» نیست!) - بازنمی‌گرداند («لن يردّ» معادل مستقبل است نه مضارع!) / گزینهٔ «۴»: نیست (معادل «لم تكن: نبود» نیست!) - هرگز (مربوط به بخش اول جمله است و جابه‌جا ترجمه شده است!)

۱۴۲۲. گزینهٔ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: می‌سازیم («بنينا: ساختیم» ماضی است نه مضارع!) / گزینهٔ «۳»: بادهای شدید («رياح شديدة: بادهایی شدید، بادهای شدیدی» نکره است نه معرفه!) - ویران شود («تُخرِّب: ویران کند» معلوم است نه مجهول!) / گزینهٔ «۴»: بخواهیم (معادل «أن نسمح: اجازه دهیم» نیست!)

۱۴۸۰. **گزینهٔ ۱** فعل «یُذکر» در «لم یُذکر: یاد نشده است» مضارعی است که در ترجمه معادل ماضی منفی است!
دقت کنید که در گزینهٔ «۲»، «لِم: چرا» را با «لَم» اشتباه نگیرید!

۱۴۸۱. **گزینهٔ ۴** اولاً ضمیر «کم» مضاف‌الیه و «أجور» مفعول است. ثانیاً لامی که بر نفی دلالت کند، نداریم!

۱۴۸۲. **گزینهٔ ۴** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «برای اینکه برادر ورزشکارم جایزهٔ طلایی را کسب کند بسیار تلاش کرد!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۲»: «برای اینکه بر مشکلات بزرگ غلبه کنم به پروردگار توکّل می‌کنم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «برای اینکه مشکلات درسی‌ام حل شود با مدیر مدرسه صحبت کردم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۴»: «پدر کشاورزم باید محصول مزرعه‌اش را در این هفته جمع کند!» (لام امر)

۱۴۸۳. **گزینهٔ ۱** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «انسان باید بر قدرت‌هایش تکیه کند تا مشکلات را شکست دهد!» (لام امر) / گزینهٔ «۲»: «برای اینکه مسابقهٔ تیم محبوبمان را ببینیم به آن ورزشگاه می‌رویم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «برادرم برای اینکه دین‌داری‌اش را تقویت کند در آن جلسات مذهبی شرکت می‌کند!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۴»: «دانش‌آموزان برای اینکه در امتحانات مدرسه موفق شوند، درس‌ها را خوب مطالعه کردند!» (لام ناصبه)

۱۴۸۴. **گزینهٔ ۳** در «لا تأکلوا: نخورید» لای نهی داریم، زیرا فعل مجزوم شده است.
بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینهٔ «۱»: «لا تَدور: نمی‌چرخد» لای نفی دارد، زیرا معنای دستوری ندارد! / گزینهٔ «۲»: «لا یتکاسلون: تنبلی نمی‌کنند» لای نفی دارد، زیرا مجزوم نشده است! / گزینهٔ «۴»: «أن لا تیأس: که ناراحت نشوی» لای نفی دارد، زیرا معنای دستوری ندارد!
نکته: حرف «لا» در ترکیب «حرف ناصبه + لا» همیشه لای نفی است مانند «أن لا».

۱۴۸۵. **گزینهٔ ۳** فعل «رجعوا: برگشتند» ماضی است و برای ساخت ماضی منفی دو راه داریم:
۱. ما + ماضی ۲. لَم + مضارع مجزوم
در گزینهٔ «۳»، «لم یرجعوا: برنگشتند» پاسخ صحیح است!

۱۴۸۶. **گزینهٔ ۳** سؤال از ما ادات نفی می‌خواهد. در گزینهٔ «۳»، «لم یفهم: نفهمید» فعل منفی است.
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «ما» از نوع شرط است نه نفی: «هر آنچه برای خودت از خوبی پیش بفرستی آن را نزد خدا می‌یابی!» / گزینهٔ «۲»: «لا» در «لا تیأسوا» و «لا تحزنوا» از نوع نهی است نه نفی، زیرا فعل‌ها مجزوم شده‌اند. / گزینهٔ «۴»: در «لم رجعتم: چرا برگشتید» حرف نفی «لَم» را نداریم، چراکه این حرف فقط بر سر مضارع مجزوم می‌آید اما «رجعتم» ماضی است، بنابراین «لِمَ: چرا» است و حرف نفی ندارد!

۱۴۸۷. **گزینهٔ ۱** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «معلم به کلاس آمد پس باید از صندلی‌هایمان بلند شویم!» (لام امر) / گزینهٔ «۲»: «مرد نزد حکیمی رفت تا به او نصیحتی ارزشمند تقدیم کند!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «برای اینکه در درس خواندن موفق شوم هر شب درس‌هایم را مرور می‌کنم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۴»: «به خانهٔ مادربزرگم می‌روم تا او را در کارهایش یاری کنم!» (لام ناصبه)

۱۴۸۸. **گزینهٔ ۳** لام امر بر سر فعل مضارع می‌آید (ردّ گزینهٔ «۱») و معنای «باید» دارد.
بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: «برای اینکه درس‌ها را خوب یاد بگیریم با تمام دقت به معلم گوش می‌دهیم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «کسی که حس می‌کند دچار سرماخوردگی شده باید به پزشک مراجعه کند!» (لام امر) / گزینهٔ «۴»: «در زندگی‌ام پایبند به راستگویی هستم تا از هر عیبی رها شوم! » (لام ناصبه)

۱۴۸۹. **گزینهٔ ۱** بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: لن نترك / گزینهٔ «۳»: لا یکتبون / گزینهٔ «۴»: ما أطلقتم – لم تُطلقوا

۱۴۹۰. **گزینهٔ ۲** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «اگر بخواهیم در آب شنا کنیم باید به عمقش توجه کنیم!» (لام امر) / گزینهٔ «۲»: «پدرم با ما صحبت کرد تا متوجه خطراتی شویم که در مقابل ما هستند!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «باید آگاه شویم تا زیبایی طبیعت را در هر چیزی ببینیم!» (لام امر) / گزینهٔ «۴»: «امتحانات نزدیک هستند پس باید متوجه فرصت کم خود باشیم!» (لام امر)

۱۴۹۱. **گزینهٔ ۲** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «اگر بخواهیم علم بیاموزیم باید با متفکرین هم‌نشینی کنیم!» (لام امر) / گزینهٔ «۲»: «به خاک و کود نیاز داریم تا گل رشد کند!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «تماشاچیان باید بازیکنان را در مسابقات تشویق کنند!» (لام امر) / گزینهٔ «۴»: «مؤمنان باید از آنچه می‌خورند به بیچارگان غذا بدهند!» (لام امر)

۱۴۹۲. **گزینهٔ ۱** با توجه به مفهوم عبارت «لا تیأسون» در این عبارت به‌عنوان فعل نهی به کار رفته پس باید حرف نون از آخرش حذف شود. ← لا تیأسوا ←
«هم‌شاگردی‌هایم را ناامید یافتم پس به آنان گفتم: از رحمت خداوند ناامید نشوید.»
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۲»: «لیعلموا» (حرف «لام» باعث حذف نون شده است.) – «أن ینجحوا» (حرف «أن» باعث حذف نون شده است.) / گزینهٔ «۳»: «لیذهبوا» (مانند گزینهٔ «۲» ← لیعلموا) – «لم تخرجوا» (حرف «لم» باعث حذف نون شده است.) / گزینهٔ «۴»: فعل‌های این عبارت جمع مؤنث هستند و این نوع از فعل‌ها هرگز تغییر ظاهری نخواهند داشت، یعنی هیچ حرفی نمی‌تواند باعث حذف نون از آخر آن‌ها بشود.

۱۴۹۳. **گزینهٔ ۴** ترجمهٔ صورت سؤال: مشخص کن آنچه را که در آن از انجام کاری نهی شده است!
با توجه به صورت سؤال باید دنبال فعل نهی باشیم که «لا تغترّوا» در گزینهٔ «۴» تنها فعل نهی این عبارات است. ترجمه: «به آنچه دارید، فریفته نشوید چه‌بسا که در لحظه‌ای از بین برود.»
بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «لا» همراه اسم آمده و نمی‌تواند نهی باشد. ترجمه: «هیچ موفقیت و پیروزی نیست برای کسی که آن‌ها را بدون تلاش و کار می‌خواهد.» / گزینهٔ «۲»: «لا» باز هم همراه اسم آمده است. ترجمه: «هیچ چاره‌ای نداریم مگر اینکه به کار متوسّل شویم و به عهدها پایبند باشیم.» / گزینهٔ «۳»: «لا» بر سر فعل آمده ولی نون فعل حذف نشده است، پس فعل نفی داریم نه نهی. ترجمه: «با سخنانتان به آرزوهای خود نمی‌رسید زیرا همت داروی شماست.»

۱۴۹۴. **گزینهٔ ۱** ترجمهٔ صورت سؤال: «آنچه را که در آن درخواست پرداختن به کار است را تعیین کن!»
سؤال از ما فعلی می‌خواهد که معنای امری داشته باشد!
با توجه به معنای گزینه‌ها، «لیذهبوا» در گزینهٔ «۱» معنای امری دارد. ترجمه: «باید به مدرسه بروند! » دقت کنید که «لام» در «لیذهبوا» در گزینهٔ «۲» از نوع ناصبه است و معنای امری ندارد. ترجمه: «برخاستند تا به مدرسه بروند!»

۱۴۹۵. **گزینهٔ ۱** در این عبارت، «لام» به معنای «باید» است و لام امر می‌باشد!
ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «هنگام مشاهدهٔ آثار قدرت خدا، قلب باید فروتنی کند!» / گزینهٔ «۲»: «به دوستانت کمک کن تا از مشکلاتشان به‌راحتی خارج شوند!» / گزینهٔ «۳»: «بر انسان واجب است که بسیار تلاش کند تا خودش را اصلاح کند!» / گزینهٔ «۴»: «دوست من به مغازهٔ دیگری رفت تا شلوار ارزان‌تری بخرد!»

۱۴۹۶. **گزینهٔ ۱** ترجمه: «برای اینکه زبان زنده‌ای را بفهمم تصمیم به یادگیری زبان عربی گرفتم!» – «باید زبان زنده‌ای را بفهمم پس تصمیم به یادگیری زبان عربی گرفتم!» در گزینهٔ «۲»، «لم یشاهدوا: ندیدند» معادل «ما شاهد» است. در گزینهٔ «۳»، «یجب أن یعلموا: باید بدانند» معادل «لیعلمْ» است. در گزینهٔ «۴»، «لکي نعرف: تا بشناسیم» معادل «حتّی نعرف» می‌باشد!

۱۴۹۷. **گزینهٔ ۳** فعل «لیعلموا» هم به معنای «باید بدانند» است و هم «تا بدانند» چراکه هم می‌تواند لام امر و هم لام ناصبه باشد! در گزینهٔ «۱»، «لا یعلموا» نهی

غایب است به معنای «نباید بدانند». در گزینهٔ «۲» لام در «لتعلموا: تا بدانید» فقط می‌تواند لام ناصبه باشد، زیرا لام امر با فعل مخاطب به کار نمی‌رود و «لن یعلموا: نخواهند دانست». در گزینهٔ «۴» معادل مستقبل منفی است!

۱۴۹۸. گزینهٔ ۴ سؤال از ما گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن فعل با معنای امری (چه امر مخاطب چه امر با لام) به کار نرفته باشد!

بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «ای جوان، با نرمی کلام دشمنی را به دوستی تبدیل کن!» («حوّلِ» فعل امر است!) / گزینهٔ «۲»: «ثروتمندان نیکوکار باید به مسکینان نیازمند انفاق کنند!» («لینفقْ» معنای امری دارد!) / گزینهٔ «۳»: «سختی‌ها و مصیبت‌های زندگی را با کمک گرفتن از پروردگارتان تحمّل کنید!» («تحمّلوا» فعل امر است!) / گزینهٔ «۴»: «وزن کلمات واردشده که وارد زبان عربی شدند تغییر کرده است!» («تغیّر» فعل ماضی است!)

۱۴۹۹. گزینهٔ ۳ سؤال از ما فعل نهی می‌خواهد (طلب انجام ندادن یک کار). در گزینهٔ «۳»، «لا ییأسوا: نباید ناراحت شوند» فعل نهی است! دقت کنید که در گزینهٔ «۱»، «لکیلا تحزنوا: تا اینکه ناراحت نشوید» معنای دستوری ندارد و حذف نون از آخر فعل به‌دلیل حضور حرف ناصبهٔ «لکي» است! در گزینهٔ «۲» در «من یکذب لا ینجح: هرکس دروغ بگوید موفق نمی‌شود» معنای دستوری ندارد و ساکن آخر فعل به‌دلیل حضور ادات شرط «مَن» است و در گزینهٔ «۴» هم «الهدف الّذي لا یُدرَك: هدفی که به دست نمی‌آید» معنای دستوری ندارد و لای نهی نداریم!

۱۵۰۰. گزینهٔ ۱ بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «**برای** یادگیری (لام جارّه) زبان عربی و خواندن متن‌های فراوان باید لغات زیادی را یاد بگیریم!» (لام امر) / گزینهٔ «۲»: «بر ماست که قرآن بخوانیم تا کلام حق را بشناسیم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «برای اینکه در آن مسابقه پیروز شویم بسیار تلاش کردیم!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۴»: «پیامبران برانگیخته شدند تا مردم را هدایت کنند و آن‌ها را از جهل نجات دهند!» (لام ناصبه)

۱۵۰۱. گزینهٔ ۳ حرف «لا» در فعل «لا تسبّوا» از نوع نهی است و در سایر گزینه‌ها «لای نفی» داریم!

بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «بر شماست که به مردم دشنام ندهید (لای نفی) زیرا بینشان دشمنی به دست می‌آورید!» / گزینهٔ «۲»: «اگر به دیگران دشنام ندهید (لای نفی) به شما نیز دشنام نمی‌دهند!» (لای نفی) / گزینهٔ «۳»: «اگر می‌خواهی که مردم به شما دشنام ندهند (لای نفی) پس به آن‌ها دشنام ندهید.» (لای نهی) / گزینهٔ «۴»: «کسانی که به دیگران دشنام نمی‌دهند (لای نفی) دشمنی را بین آن‌ها به دست نمی‌آورند!» (لای نفی)

۱۵۰۲. گزینهٔ ۲ فعل «لا تکُن: نباش» فعل نهی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: لای نهی است، زیرا فعل مجزوم شده است! (نونش حذف شده.) / گزینهٔ «۳»: حرف «لا» در «لا تقولوا» لای نهی است، زیرا فعل مجزوم شده است! (نونش حذف شده.) / گزینهٔ «۴»: حرف «لا» در «لا یُمارسن» لای نفی است، زیرا معنای دستوری ندارد. ترجمه: «این‌ها تنبل هستند و تمرین ورزشی انجام نمی‌دهند!» (دقت کنید که «ن» در جمع‌های مؤنث، تحت هیچ شرایطی حذف نمی‌شود!)

۱۵۰۳. گزینهٔ ۳ بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: حرف لام در «لتطبخ: برای اینکه بپزد» لام ناصبه است و در «لضیوف» و «لهنّ» از نوع جارّه است، زیرا بر سر اسم آمده است! (۲ نوع) / گزینهٔ «۲»: حرف لام در «لِم: لِـ + ما» از نوع جارّه است زیرا بر سر اسم آمده است و در «لتسلم: برای اینکه ایمن بمانی» لام ناصبه است! (۲نوع) / گزینهٔ «۳»: حرف لام در «لیسافر: باید سفر کنند» از نوع امر، در «لاکتشاف: برای کشف کردن» از نوع جارّه و در «لیعرفوا: تا بشناسند» از نوع ناصبه است! (۳ نوع) / گزینهٔ «۴»: حرف لام در «لِما: برای آنچه» از نوع جارّه است زیرا بر سر اسم آمده است! (۱ نوع)

۱۵۰۴. گزینهٔ ۲ فعل «لَم تعاهدوا» مضارعی است که معادل ماضی در فارسی می‌باشد نه مضارع التزامی!

در گزینهٔ «۱»، «لا یحزنْك: تو را ناراحت نکند»، در گزینهٔ «۳»، «فلنشکر: پس باید تشکر کنیم» و در گزینهٔ «۴»، «من یؤمن: هرکس ایمان بیاورد» به‌صورت التزامی ترجمه می‌شوند!

۱۵۰۵. گزینهٔ ۴ بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: لم یکن: نبود – لیس: نیست / گزینهٔ «۲»: سنؤتي: خواهیم داد – لن نُؤتي: نخواهیم داد / گزینهٔ «۳»: لا یطالعوا: نباید مطالعه کنند – لَم یطالعوا: مطالعه نکردند / گزینهٔ «۴»: لنتقدّم: باید پیشرفت کنیم – علینا التقدّم: باید پیشرفت کنیم (بر ماست پیشرفت کردن)

۱۵۰۶. گزینهٔ ۱ فعل «تخافین: می‌ترسی» مضارعی است که به‌صورت مضارع نیز ترجمه می‌شود! در گزینهٔ «۲»، «یفكّ» به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود زیرا قبل از آن فعل ماضی «رأیتُ» به کار رفته است، در گزینهٔ «۳» اصلاً فعل مضارعی به کار نرفته است و در گزینهٔ «۴»، «لم یقُل: نگفت» معادل ماضی منفی است!

۱۵۰۷. گزینهٔ ۲ فعل «لم تولَد: متولد نشد» فعل مجهول و «حسنات» (جمع مؤنث سالم «حسنة») نایب فاعل آن است! در سایر گزینه‌ها اصلاً جمع سالمی به کار نرفته است!

۱۵۰۸. گزینهٔ ۴ سؤال از ما دو فعل مضارع می‌خواهد که به‌شکل التزامی ترجمه می‌شوند! در گزینهٔ «۴»، «لِنجلسْ: باید بنشینیم» و «لِنسمعْ: تا بشنویم» معادل مضارع التزامی هستند، در گزینهٔ «۱»، «تنقلنا: ما را منتقل کند» معادل مضارع التزامی است اما «لا توجد: پیدا نمی‌شود» معادل مضارع اِخباری است، در گزینهٔ «۲»، «لأحفظَ: برای اینکه حفظ کنم» معادل مضارع التزامی است اما «أُواصل: ادامه می‌دهم» معادل مضارع اِخباری است و در گزینهٔ «۳»، «إن تکذبوا: اگر دروغ بگویید» معادل مضارع التزامی است اما «لا تنجحوا: موفق نمی‌شود» معادل مضارع اِخباری است!

۱۵۰۹. گزینهٔ ۴ لام امر لامی است که بر سر فعل مضارع می‌آید و معنای «باید» می‌دهد!

ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «خدا قلب ما را با علوم سودمند نورانی کرد تا او را یاد کنیم!» / گزینهٔ «۲»: «ماهی تیرانداز قطره‌های آب را رها می‌کند تا حشره سقوط کند!» / گزینهٔ «۳»: «مقابل تلویزیون نشستیم تا فیلم خوبی را ببینیم!» / گزینهٔ «۴»: «جوجه‌های «برناکل» باید سقوط کنند وگرنه پرواز کردن یاد نمی‌گیرند!»

۱۵۱۰. گزینهٔ ۳ «ألّا یقتربوا: که نزدیک نشوند» (ألّا = أن + لا) در گزینهٔ «۱»، «أن تکونوا: که نباشید» و «حتّی لا تیأسوا: تا ناامید نشوید»، در گزینهٔ «۲»، «و لیتعلّموا: تا بیاموزند»، در گزینهٔ «۴» افعال مضارعی هستند که به‌صورت التزامی ترجمه می‌شوند و در گزینهٔ «۳»، «لا تقربوا: نزدیک نشوید» فعل نهی مخاطب است و به‌شکل امر منفی ترجمه می‌شود نه مضارع التزامی!

۱۵۱۱. گزینهٔ ۳ بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «همهٔ دانش‌آموزان در سالن حاضر شدند تا در امتحان شرکت کنند!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۲»: «نهنگ شکار می‌شود تا روغنش استخراج شود و از آن مواد آرایشی ساخته شود!» (لام ناصبه) / گزینهٔ «۳»: «طبیعت زیباست باید از آن محافظت کنیم و ما به آن بسیار احتیاج داریم!» (لام امر) / گزینهٔ «۴»: «گاهی درختانی می‌کاریم که پس از سال‌ها میوه می‌دهند تا دیگران از آن‌ها بخورند!» (لام ناصبه)

۱۵۱۲. گزینهٔ ۴ ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «آیا نمی‌خواهی که ..... بین دل‌های برادرانت!» (الفت ایجاد کنی) ✓ / گزینهٔ «۲»: «مسافران شروع کردند به بستن ..... قبل از پرواز!» (کمربندها) ✓ / گزینهٔ «۳»: «زمین ..... شد وقتی که از آسمان آبی نازل شد!» (سرسبز) ✓ / گزینهٔ «۴»: «ناامیدی از ..... خدا از صفات کافرین است!» (الگو) ✗

۱۵۱۳. گزینهٔ ۲ ترجمهٔ گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: «تب: به کسی گفته می‌شود که در کودکی‌اش دچار فلجی شده است!» / گزینهٔ «۲»: «گچ: ابزاری است که برای نوشتن روی تخته استفاده می‌شود و رنگ‌های مختلفی دارد!» / گزینهٔ «۳»: «ناشنوا: کسی که نمی‌تواند با عینک چیزها را ببیند!» / گزینهٔ «۴»: «کارگاه: کسی که به کاری ساده بدون سختی مشغول است!»